

An Analysis of the Interaction of the Islamic Republic of Iran with *Shi'a* Parties in Iraq from 2003 to 2021

Mohammad Bagher Hakim¹, Garineh Keshishyan², Mohammad Reza Ghaedi³

¹ Ph.D. Student, Department of International Relations, Ki.C., Islamic Azad University, Kish, Iran.
bagherhakim892@gmail.com

² Department of Political Science and International Relations, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
(Corresponding author). g.keshishyan71@gmail.com

³ Department of Political Science and International Relations, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
ghaedi1352@gmail.com

Abstract

The objective of the present research was to examine the interactions of the Islamic Republic of Iran with the *Shi'a* parties of Iraq during the timeframe of 2003-2021, and with a constructivist approach, it has analyzed the role of these interactions in the formation and reinforcement of *Shi'a* identity in Iraq. During this period, Iran, by supporting Iraqi *Shi'a* parties, attempted to consolidate its own influence while countering the influence of other powers, particularly Saudi Arabia. Conversely, Saudi Arabia, by emphasizing *Sunni* identity and supporting opposition and occasionally extremist groups, specifically prior to the year 2018, sought to alter the balance of power in its own favor by restricting Iran's influence. This rivalry between Iran and Saudi Arabia has culminated in the deepening of religious schisms in Iraq, divergence among *Shi'a* parties, and challenges to the political and security stability of Iraq. In addition to the theoretical approach, questionnaires concerning the subject of the research were provided to Iranian and Iraqi elites; the results of the theoretical research indicate that Iran's interactions with *Shi'a* parties have contributed to the reinforcement of religious identity and the augmentation of convergence between Iran and Iraq, but simultaneously, the rivalry between Iran and Saudi Arabia in this context has caused the expansion of sectarian tensions and negative impacts on the internal unity of Iraq and the positioning towards their presence. This research, by presenting an analytical framework derived from the constructivist approach, while evaluating the dimensions and consequences of this rivalry, has proposed solutions for the amelioration of regional interactions.

Keywords: *Shi'a* parties, religious identity, constructivist approach, regional interactions, Iraq, Iran, Saudi Arabia.

Received: 2025-04-05 ; Received in revised form: 2025-06-18 ; Accepted: 2025-07-16 ; Published online: 2025-10-02

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.2057668.2298>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



تحلیل تعامل جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه در عراق در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۲۱

محمد باقر حکیم^۱، گارینه کشیشیان^۲، محمدرضا قانلی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران.

bagherhakim892@gmail.com

^۲ گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

g.keshishyan71@gmail.com

^۳ گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. ghaedi1352@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تعاملات جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه عراق در بازه زمانی ۲۰۰۳-۲۰۲۱ بوده و با رویکردی سازه‌نگارانه، نقش این تعاملات در شکل‌گیری و تقویت هویت شیعی در عراق را تحلیل کرده است. در این مدت، ایران با حمایت از احزاب شیعه عراق، تلاش کرد تا ضمن تثبیت نفوذ خود، با نفوذ سایر قدرت‌ها، به‌ویژه عربستان سعودی، مقابله کند. در مقابل، عربستان با تأکید بر هویت سنی و حمایت از گروه‌های معارض و گاه افراطی، خاصه پیش از سال ۲۰۱۸، در پی آن بود تا با محدود کردن نفوذ ایران، توازن قوا را به نفع خود تغییر دهد. این رقابت میان ایران و عربستان به تعمیق شکاف‌های مذهبی در عراق، واگرایی در میان احزاب شیعه و چالش‌هایی در ثبات سیاسی و امنیتی عراق منتهی شده است. علاوه بر رویکرد نظری، پرسش‌نامه‌هایی پیرامون موضوع پژوهش در اختیار نخبگان ایرانی و عراقی قرار گرفت؛ نتایج پژوهش نظری نشان می‌دهد که تعاملات ایران با احزاب شیعه به تقویت هویت مذهبی و افزایش هم‌گرایی میان ایران و عراق کمک کرده، اما در عین حال رقابت ایران و عربستان در این بستر باعث گسترش تنش‌های فرقه‌ای و تأثیرات منفی بر وحدت داخلی عراق و موضع‌گیری نسبت به حضور آنان شده است. این پژوهش با ارائه چارچوبی تحلیلی از رویکرد سازه‌نگارانه، ضمن ارزیابی ابعاد و پیامدهای این رقابت، راهکارهایی برای بهبود تعاملات منطقه‌ای ارائه کرده است.

واژه‌های کلیدی: احزاب شیعه، هویت مذهبی، رویکرد سازه‌نگارانه، تعاملات منطقه‌ای، عراق، ایران، عربستان.

استناد به این مقاله: حکیم، محمد باقر؛ کشیشیان، گارینه؛ قانلی، محمدرضا (۱۴۰۴). تحلیل تعامل جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه در عراق در

سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۲۱. *سیاست متعالیه*، ۱۳(۳): ص ۲۷۱-۲۹۰. <https://doi.org/10.22034/sm.2025.2057668.2298>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶ ؛ **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۰۳/۲۸ ؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ ؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

تحولات سیاسی و اجتماعی عراق پس از سقوط رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳، آغازگر فصلی نوین در تاریخ این کشور و عرصه جدیدی برای رقابت‌های منطقه‌ای بود. شیعیان عراق که برای سال‌ها، تحت حاکمیت دیکتاتوری بعثی، به حاشیه رانده شده بودند، پس از این تغییرات به یکی از بازیگران اصلی عرصه سیاسی کشور تبدیل شدند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به دلیل هم‌جواری جغرافیایی، پیوندهای مذهبی و منافع استراتژیک، روابطی عمیق با احزاب شیعه عراق برقرار کرد و به عنوان یک بازیگر کلیدی در معادلات سیاسی این کشور حضور یافت. تعاملات ایران با احزاب شیعه عراق نه تنها نقش بسزایی در تقویت جایگاه شیعیان عراق ایفا کرده، بلکه به توسعه هویت سیاسی آنان نیز منجر شده است. از سوی دیگر، عربستان سعودی به عنوان رقیب منطقه‌ای ایران، درصدد حضور و نفوذ خود در مناطق پیرامونی و اثرگذاری بر همسایگان منطقه‌ای است؛ لذا، تلاش‌های خود را برای محدودسازی نفوذ ایران در عراق و گسترش ارتباطات با گروه‌های سنی و حتی شیعه افزایش داده است. رقابت میان ایران و عربستان در عراق، نه تنها ساختارهای قدرت سیاسی این کشور را تحت تأثیر قرار داده، بلکه به تعمیق شکاف‌ها و واگرایی‌های سیاسی در میان احزاب شیعه نیز دامن زده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی کارآمدی تعاملات جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه عراق و تحلیل رقابت این کشور با عربستان سعودی در عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۱ میلادی است. برای پاسخ به این سوال، نظریه سازه‌انگاری که بر اهمیت هویت‌ها، هنجارها و ساختارهای معنایی در سیاست بین‌الملل تأکید دارد، به عنوان چارچوب نظری انتخاب شده است. این پژوهش با بهره‌گیری از داده‌های پرسشنامه‌ای و تحلیل دیدگاه‌های نخبگان ایرانی و عراقی با استفاده از نرم‌افزار Excel سعی دارد تأثیرات این رقابت و تعاملات ایران را بر شکل‌گیری هویت، هم‌گرایی یا واگرایی احزاب شیعه بررسی کند.

۲. ادبیات پژوهش

العلوسی (۲۰۲۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «ایدئولوژی حاکم یا هویت مشترک؟ علل بنیادین نفوذ ایران در عراق»، به این موضوع اشاره می‌کند که نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق صرفاً ناشی از اشتراکات مذهبی نیست، بلکه در چارچوب ایدئولوژی حاکم و اهداف راهبردی آن تبیین می‌شود. وی با تمرکز بر نقش احزاب و گروه‌های شیعه عراق نشان می‌دهد که این جریان‌ها مهم‌ترین کانال‌های اعمال نفوذ ایران در ساختار سیاسی پس از ۲۰۰۳ بوده‌اند. هرچند هویت مشترک مذهبی زمینه‌ساز نزدیکی ایران و بازیگران شیعه عراق بوده، اما راهبرد ایدئولوژیک و سیاسی تهران در بهره‌گیری سازمان‌یافته از ظرفیت احزاب و گروه‌های شیعی،

عامل اصلی تثبیت و تداوم نفوذ ایران در نظام سیاسی عراق به‌شمار می‌رود.

قادری حاجت و دیگران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «تبیین عوامل موثر بر همگرایی و واگرایی شیعیان عراق و ایران» به این موضوع اشاره می‌کند که شیعیان ایران و عراق به عنوان دو جمعیت مذهبی تأثیرگذار در ساختار سیاسی دو کشور، دارای زمینه‌های مشترک و عوامل تفرقه‌آفرینی هستند که روابط میان دو جامعه را شکل می‌دهند. فرهنگ مشترک مبتنی بر عقاید شیعی، منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی مشترک، مهم‌ترین عوامل همگرایی و در مقابل، رقابت‌های درونی احزاب شیعه در عراق، وجود جریان‌های متعارض در ایران و تأثیر بازیگران خارجی از عوامل اصلی واگرایی هستند.

لادیر^۱ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط ایران و عراق و استراتژی‌های پان شیعه» به این موضوع اشاره می‌کند که جمهوری اسلامی ایران پس از سقوط صدام حسین، از خلاء قدرت در عراق برای پیشبرد سیاست پان‌شیعه‌گرایی خود بهره برده و از طریق ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی به تربیت گروه‌های شبه‌نظامی شیعه و ایجاد «محور مقاومت» پرداخت. تهران با بهره‌گیری از بحران‌های متعدد عراق، از جمله جنگ علیه داعش، توانست نفوذ خود را در احزاب شیعی عراق تعمیق بخشد و عراق را به پایگاهی راهبردی برای تحقق اهداف منطقه‌ای و هژمونیک خود تبدیل کند.

شریعت ناصری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال گروه‌های شیعه و کردهای کشور عراق» به این موضوع اشاره می‌کند که در پی فروپاشی رژیم بعث، قدرت‌گیری شیعیان و کردها در عراق به مهم‌ترین پیامد امنیتی برای ایران بدل شده است. وی ضمن اشاره به تلاش ایران برای همگرایی شیعه و کرد به منظور تأمین منافع امنیتی خود، تأکید می‌کند که ائتلاف و همگرایی شیعیان و کردها برای جمهوری اسلامی ایران امری ضروری و راهبردی است، هرچند رقابت‌های درون‌گروهی و قدرت‌طلبی می‌تواند این همکاری را تضعیف کند.

عربی لادمی (۲۰۲۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «نفوذ ایران در عراق پس از ۲۰۰۳: انگیزه‌ها و پیامدها»، به این موضوع اشاره می‌کند که جمهوری اسلامی ایران پس از سقوط رژیم صدام حسین، با تمرکز ویژه بر احزاب و گروه‌های شیعه در پرتو تحولات منطقه‌ای و افول نظم عربی، از ظرفیت‌های مذهبی، ایدئولوژیک و شبکه‌های هم‌سو با جریان‌های شیعی برای تعمیق حضور خود و تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری‌های کلان عراق و تثبیت جایگاه خود بر معادلات سیاسی و امنیتی این کشور بهره‌برداری می‌نماید.

میری و نوذری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش و جایگاه احزاب و گروه‌های شیعه در عراق با تأکید بر همگرایی با ایران» به این موضوع اشاره می‌کند که پس از سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳، شیعیان عراق به‌عنوان اصلی‌ترین گروه اپوزیسیون، با فرصت بی‌سابقه‌ای برای مشارکت در بازسازی نظام سیاسی و تدوین قانون اساسی مواجه شدند و این فرصت زمینه‌ساز جهش آن‌ها به سمت قدرت گردید؛ به طوری که توانستند جایگاه محوری در صحنه سیاسی عراق به دست آورند و این ظرفیت، بستر مناسبی برای همگرایی بیشتر با جمهوری اسلامی ایران فراهم ساخته است.

بررسی پژوهش‌های پیشین حاکی از اهمیت موضوع تعاملات ایران و عراق و رقابت‌های منطقه‌ای است. هرچند نگاه برخی از این مطالعات تک‌بعدی و متناظر به چارچوب نظری و رویکرد خاصی است؛ اما پژوهش حاضر با چارچوب سازه‌انگاری در تحلیل تعاملات هویت‌محور و با بهره‌گیری از روش تحلیل ترکیبی کیفی و کمی، تمرکز خود را بر آسیب‌های سیاست‌های ایران در عراق و نه فقط موفقیت‌های این رویکرد گذاشته است. بررسی همزمان نقش بازیگران داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از حیث نظری و روشی، گامی فراتر از ادبیات موجود بوده که به جای توصیف صرف، به ارزیابی انتقادی و ارائه راهکار درخصوص موضوع مورد پژوهش پرداخته است.

۳. نظریه سازه‌انگاری و رقابت ایران و عربستان در عراق

سازه‌انگاری^۱ یکی از رویکردهای مهم تحلیلی روابط بین‌الملل است که برخلاف نظریه‌های مادی‌گرایانه‌ای نظیر واقع‌گرایی، بر اهمیت هنجارها، ارزش‌ها و هویت‌ها در شکل‌دهی به سیاست خارجی و رفتارهای بین‌المللی تأکید دارد. براساس این نظریه، هویت‌ها و هنجارها بر مبنای تعاملات اجتماعی و ارتباطات مداوم بین بازیگران شکل می‌گیرند و این هویت‌ها، به نوبه خود، به تعریف منافع و اولویت‌های کشورها کمک می‌کنند (Wendt, 1992). از نگاه سازه‌انگاران، دنیای اجتماعی و سیاسی ازجمله دنیای روابط بین‌الملل، یک مجموعه فیزیکی یا عینیت مادی خارج از معرفت انسانی نیست. لذا، در مطالعه روابط بین‌الملل باید بر ایده‌ها و عقایدی که آگاهی‌دهنده بازیگران در عرصه بین‌المللی و نیز ایجاد درک مشترک بین آنهاست، تمرکز کرد (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۲۸). از منظر رویکرد سازه‌انگاری، نمی‌توان سیاست بین‌الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلایی و در چارچوب‌های صرف مادی و نهادی در سطوح ملی و بین‌المللی تقلیل داد؛ زیرا تعاملات دولت‌ها صرفاً براساس یک سلسله منافع ملی

تثبیت شده شکل نگرفته، بلکه در طول زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت‌ها تشکیل می‌یابد و یا باعث تشکیل هویت‌ها می‌شوند (قوام، ۱۳۹۷: ص ۲۲۴). در سطح بین‌المللی، ایران و عربستان به‌عنوان دو بازیگر کلیدی با هویت‌های متفاوت مذهبی و سیاسی در حال رقابت برای نفوذ در عراق هستند. این رقابت از دیدگاه سازه‌انگاری، ناشی از اختلافات هویتی و ایدئولوژیک میان دو کشور است؛ هویت انقلابی - شیعی جمهوری اسلامی ایران و هویت سنی - وهابی عربستان سعودی، به‌عنوان «دال‌های مرکزی»^۱ در گفتمان‌های سیاست خارجی آن‌ها، تعیین‌کننده چگونگی تعاملات و رقابت‌های منطقه‌ای آنان، به‌ویژه در عراق است (Torfin, 1999). سازه‌انگاری داخلی برخلاف سازه‌انگاری سیستمی صرفاً بر روابط بین هنجارها و ساختارهای معنایی داخلی متمرکز است (Reus-Smit, 2001: p. 20). این شاخه از سازه‌انگاری بر تغییرات هنجاری داخلی در «خود» و «دیگری» و تأثیر این تغییرات در همکاری با رقابت بین بازیگران تأکید دارد. براساس این رهیافت، فرایندهای اجتماعی داخلی، به‌منزله مهم‌ترین منبع هویت‌ساز، می‌تواند منافع دولت‌ها را مستقل از نوع تعاملات آن‌ها در سطح بین‌المللی تعیین کند (Katzenstein, 1996: p. 68). در سطح داخلی، ایران با پشتیبانی از احزاب شیعه عراق و تأکید بر هم‌گرایی هویتی، سعی دارد تا با تقویت نقش شیعیان، نفوذ خود در این کشور را افزایش دهد؛ از سوی دیگر، عربستان با ترویج هنجارهای ضدشیعی و تلاش برای تعامل با گروه‌های مخالف ایران، در پی کاهش نفوذ ایران، ایجاد اتحادهای جدید و ارتقاء سطح نفوذ و تأثیرگذاری خویش است.

۴. تعامل جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه در عراق از منظر سازه‌انگاری

سازه‌انگاری بر هویت‌ها، ساختارهای معنایی و هنجارهایی تأکید دارد که به منافع و رفتار کشورها جهت می‌دهند (Wendt, 1992). هویت انقلابی - شیعی جمهوری اسلامی ایران یکی از عوامل کلیدی جذب احزاب شیعه در عراق بوده و سبب ایجاد هم‌گرایی سیاسی و مذهبی میان این گروه‌ها شده است. از دیدگاه سازه‌انگاری، این هویت به‌عنوان یک دال مرکزی در سیاست خارجی ایران عمل می‌کند و بسیاری از دال‌های فرعی مانند «مقاومت»، «استقلال» و «عدالت‌طلبی» پیرامون آن شکل گرفته‌اند (Torfin, 1999). این دال‌ها نقش مهمی در جلب حمایت و هم‌گرایی احزاب شیعه عراقی ایفا می‌کنند که خود را در مقابله با تهدیدات مشترکی نظیر سیاست‌های سرکوب‌گرایانه رژیم بعث و نفوذ غربی می‌بینند (Nasr, 2006). حمایت‌های ایران از احزاب شیعه عراق را می‌توان جلوه‌ای از تعاملات ایران، مبتنی بر هویت انقلابی - شیعی

دانست. این حمایت‌ها توانسته‌اند جایگاه احزاب شیعه را در ساختار سیاسی عراق مستحکم کنند و در مقابله با رقبای داخلی و خارجی به آن‌ها یاری رسانند. این نوع حمایت‌ها در چارچوب سازه‌انگاری به‌مثابه سازه‌های معنایی عمل می‌کنند که به احزاب شیعه عراق هویتی همسو با جمهوری اسلامی می‌بخشند و نقش آن‌ها را در نظم سیاسی عراق تقویت می‌کنند (Al-Maashiry, 2018). اما از سوی دیگر، رقابت ایران و عربستان به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای، یک رقابت هویتی نیز محسوب می‌شود. عربستان به‌عنوان نماینده هویت سنی - وهابی، تلاش دارد با محدود کردن نفوذ ایران در عراق هنجارهای متفاوتی را ترویج کند که با هویت شیعی - انقلابی ایران متضاد است. عربستان با ایجاد روابط با برخی از گروه‌های سنی و حتی شیعه‌های مخالف ایران در عراق، سعی دارد از هویت سنی و نوعی «عربیت» در مقابل هویت انقلابی - شیعی ایران استفاده کند و در جهت‌دهی به سیاست داخلی عراق و در تضعیف موقعیت احزاب شیعه هم‌پیمان ایران تأثیر بگذارد (Mabon, 2013).

در چارچوب سازه‌انگاری، این رقابت هویتی میان ایران و عربستان نقش مهمی در تشدید شکاف‌ها و افزایش واگرایی میان احزاب شیعه عراق دارد (Matthiesen, 2014). سیاست‌های ایران در برخی موارد به تشدید رقابت‌های داخلی میان احزاب شیعه انجامیده است؛ این اختلافات می‌توانند ناشی از حمایت‌های نامتقارن ایران از برخی گروه‌های شیعه و عدم توجه به تنوع سیاسی و هنجاری در میان شیعیان عراق باشد. سازه‌انگاری تأکید می‌کند که هویت‌ها براساس تعاملات اجتماعی و پیوستگی‌های معنایی شکل می‌گیرند و هرگونه نادیده‌گیری این پیوستگی‌ها می‌تواند به واگرایی و شکاف‌های درونی منتهی شود (Hopf, 1998). در نهایت می‌توان گفت که سیاست خارجی ایران در عراق، به‌دلیل ماهیت هویتی - انقلابی آن، هم به تقویت نقش احزاب شیعه و هم به ایجاد شکاف میان آنان منتهی شده است. این سیاست‌ها به شکل‌گیری هویت مشترک و مقاومت در برابر عربستان و آمریکا انجامیده است؛ اما در عین حال، رقابت‌های داخلی میان احزاب شیعه را نیز تشدید کرده‌اند. پیشنهاد می‌شود که ایران برای حفظ هم‌گرایی، سیاست‌های خود را با توجه به نیازهای متنوع گروه‌های شیعه عراق تعدیل کند و به تعاملات فرهنگی و هویتی با این گروه‌ها توجه بیشتری داشته باشد.

۵. پیشینه رقابت ایران و عربستان در عراق

رقابت ایران و عربستان در عراق، به‌ویژه پس از سرنگونی رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های رقابت‌های ژئوپلیتیک در خاورمیانه به‌شمار می‌رود. این رقابت هم براساس تفاوت‌های

مذهبی و هویتی میان دو کشور شکل گرفته و هم بر محورهای امنیتی و استراتژیک در منطقه متمرکز است. ایران با استفاده از قدرت نرم و حمایت از احزاب شیعه و حکومت مرکزی شیعه در عراق، سعی دارد تا نفوذ خود را در این کشور تحکیم کند. در مقابل، عربستان سعودی با حمایت از گروه‌های تروریستی و مخالفان حکومت مرکزی عراق، به‌ویژه تا قبل از سال ۲۰۱۸، در تلاش بود تا با محدود کردن نفوذ ایران، جایگاه خود را در عراق تثبیت کند.

۱-۵. حمایت ایران از احزاب شیعه و حکومت مرکزی عراق

ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعه‌نشین و مرکز اصلی تشیع، از زمان سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳، نقش فعالی در عراق ایفا کرده است. جمهوری اسلامی در تلاش است تا با حمایت از احزاب و نیروهای شیعه عراق، به‌عنوان گروه اکثریت، هم‌گرایی بیشتری میان خود و کشور عراق ایجاد کند. ازجمله احزاب مورد حمایت ایران می‌توان به «حزب الدعوة اسلامی»، «شورای عالی اسلامی عراق» و «ائتلاف فتح» اشاره کرد که در دوران پس از سقوط صدام، در شکل‌دهی به سیاست عراق و استقرار حکومت مرکزی شیعه محور نقشی کلیدی داشته‌اند. علاوه بر این سپاه قدس، شاخه برون مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نقش مهمی در تأمین و سازماندهی این حمایت‌ها ایفا نموده است. این حمایت‌ها نه تنها برای تقویت جایگاه احزاب شیعه، بلکه برای مقابله با گروه‌های سنی و معارضان مسلحی صورت گرفته که تهدیدی جدی برای حاکمیت دولت مرکزی عراق و امنیت شهروندان این کشور بوده‌اند (Nasr, 2006).

۲-۵. جایگاه حشدالشعبی و نقش آن در تأمین امنیت عراق

یکی از مهم‌ترین اقدامات حمایتی جمهوری اسلامی ایران از دولت عراق، تأسیس و پشتیبانی از «نیروهای حشد الشعبی» بود. حشد الشعبی، متشکل از نیروهای شبه‌نظامی شیعه، به‌عنوان یک نیروی مدافع در برابر گروه داعش و دیگر گروه‌های معارض سنی ظهور کرد. این نیروها در مقابله با تهدیدات داعش و تأمین امنیت مناطق شیعه‌نشین و حتی برخی مناطق سنی‌نشین، نقش بسزایی ایفا کردند. حشد الشعبی به‌ویژه در مناطق شمالی و غربی عراق که به شدت از سوی داعش تهدید می‌شدند، توانست با پشتیبانی ایران و به کمک مشاوران نظامی ایرانی، امنیت نسبی ایجاد کند. حمایت ایران از حشد الشعبی نه تنها به تأمین امنیت داخلی عراق کمک کرد، بلکه جایگاه ایران در میان گروه‌های شیعه و حکومت مرکزی عراق را نیز تحکیم نمود. به نظر می‌رسد ایران از طریق حشد الشعبی به‌دنبال ایجاد «حلقه مقاومت شیعی» می‌باشد. این اقدام ایران به‌ویژه در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ که داعش بخش‌های زیادی از عراق را اشغال کرده بود، به مثابه یکی از نقاط قوت

سیاست ایران در عراق شناخته می‌شود (Haddad, 2016).

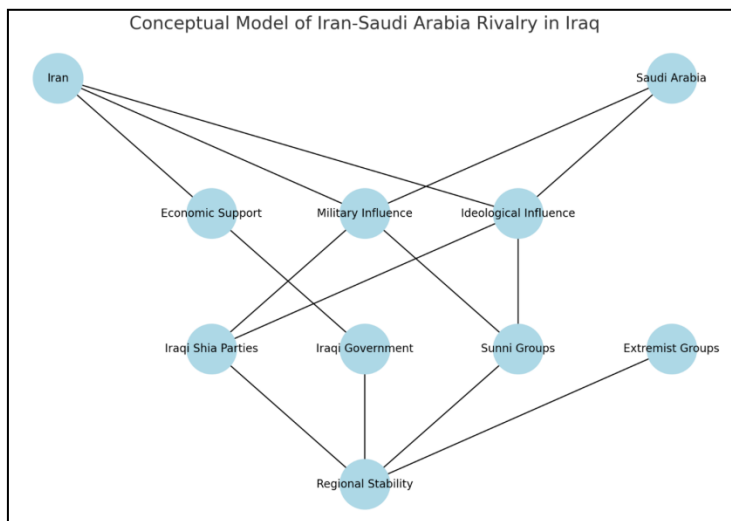
۳-۵. سیاست عربستان سعودی در عراق و حمایت از گروه‌های معارض

عربستان سعودی، به‌عنوان یک کشور سنی و رقیب منطقه‌ای ایران، از ابتدای سقوط صدام سعی کرده است تا از افزایش نفوذ ایران در عراق جلوگیری کند. عربستان سیاست‌های مختلفی را برای محدودسازی نفوذ ایران به کار برده که مهم‌ترین آن‌ها جانب‌داری از «گروه‌های سنی معارض» بوده است. لازم به ذکر است که تا پیش از سال ۲۰۱۸، این حمایت‌ها شامل «گروه‌های تروریستی و داعش» نیز می‌شد. عربستان با حمایت‌های مالی و رسانه‌ای از برخی گروه‌های سنی که مخالف حکومت شیعه‌محور عراق بودند، درصدد مقابله با نفوذ ایران بود (Mabon, 2013). این پشتیبانی‌ها عمدتاً از مسیرهای پیچیده‌ای از شبکه‌های مالی و حمایتی انجام می‌شد که به گروه‌های مخالف شیعه و نیروهای داعش اجازه می‌داد تا مناطق گسترده‌ای از عراق، به‌ویژه مناطق سنی‌نشین را کنترل نمایند. حضور داعش و گروه‌های تروریستی در عراق، با ایجاد «شکاف‌های قومی و مذهبی» و تضعیف حکومت مرکزی، موجب ناپایداری و بی‌ثباتی در این کشور شد. این مسئله در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷، با تسلط داعش بر شهرهای مهمی چون موصل، بزرگ‌ترین تهدید حاکمیت دولت عراق به‌شمار می‌رفت.

۶. تأثیر رقابت ایران و عربستان بر ساختار سیاسی و اجتماعی عراق

رقابت میان ایران و عربستان تأثیرات عمیقی بر ساختار سیاسی و اجتماعی عراق داشته است. از یک‌سو، حضور و نفوذ ایران در عراق موجب تقویت «هم‌گرایی هویتی و مذهبی» میان شیعیان دو کشور شد و به تشکیل یک محور شیعی در منطقه کمک کرد؛ ایران با حمایت از احزاب شیعه و نیروهای شبه‌نظامی مانند حشد الشعبی، تلاش کرد تا عراق را به یک متحد استراتژیک در برابر تهدیدهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل کند (Gause, 2014). از سوی دیگر، عربستان سعودی با حمایت از گروه‌های مخالف و ترویج سیاست‌های تفرقه‌افکنانه، سعی کرد تا «شکاف‌های فرقه‌ای و مذهبی» را در عراق تعمیق کند؛ این سیاست‌ها به‌ویژه در مناطق سنی‌نشین و مناطق تحت کنترل داعش، باعث افزایش بی‌ثباتی و کاهش نفوذ حکومت مرکزی عراق شد. این رقابت به بی‌ثباتی عراق دامن زد و به نوعی جنگ نیابتی بین ایران و عربستان در عراق تبدیل شد که هنوز هم تأثیرات آن بر جامعه عراق به وضوح دیده می‌شود. پس از سال ۲۰۱۸ و به‌ویژه با تضعیف حضور داعش در عراق، سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به این کشور دچار تحول اساسی شد. ریاض با کنار گذاشتن سیاست حمایت از گروه‌های تندرو و اپوزیسیون، به اتخاذ استراتژی جدیدی مبتنی بر «دیپلماسی

اقتصادی» و «تحکیم روابط رسمی با حکومت مرکزی عراق» روی آورد. این تغییر پارادایم را می‌توان پاسخی راهبردی به نفوذ فزاینده ایران در عراق و تحولات ژئوپلیتیک منطقه ارزیابی کرد. با وجود این، تلاش‌های عربستان برای بازتعریف روابط با بغداد، همچنان تحت‌الشعاع نفوذ عمیق و همه‌جانبه ایران در ساختار سیاسی و امنیتی عراق قرار دارد (Al-Mansoori, 2023). رقابت میان ایران و عربستان در عراق، نمود بارزی از تقابل دو هویت مذهبی و استراتژیک در خاورمیانه است. ایران با تمرکز بر حمایت از احزاب شیعه و حکومت مرکزی شیعه، درصدد افزایش نفوذ و تأثیرگذاری خود در عراق به‌عنوان یک هم‌پیمان استراتژیک است؛ در مقابل، عربستان با حمایت از گروه‌های معارض و تندرو، به‌ویژه تا قبل از سال ۲۰۱۸، سعی داشت تا نفوذ ایران را محدود و حکومت مرکزی عراق را تضعیف کند. این رقابت نه‌تنها به تعمیق شکاف‌های فرقه‌ای و قومیتی در عراق انجامیده، بلکه بحران‌های ساختاری در ثبات سیاسی و انسجام اجتماعی این کشور ایجاد کرده است. در پی افول قدرت داعش و تعدیل راهبرد عربستان، ماهیت رقابت تهران-ریاض در عراق از حمایت از گروه‌های مخالف، به عرصه‌های اقتصادی و دیپلماتیک انتقال یافته است. این دگردیسی استراتژیک، عراق را همچنان به‌عنوان عرصه‌ای حیاتی برای رقابت ژئوپلیتیک دو قدرت منطقه‌ای حفظ کرده است.



مدل تحلیلی: رقابت ایران و عربستان در عراق

ایران با ارائه کمک‌های مالی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی و توسعه روابط تجاری، به‌دنبال ایجاد

وابستگی اقتصادی در عراق است؛ این حمایت‌ها شامل اعطای وام‌ها، مشارکت در بازسازی مناطق جنگ‌زده و توسعه کریدورهای تجاری می‌شود. همکاری‌های نظامی ایران با دولت مرکزی عراق در جهت مبارزه با تروریسم نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است. آموزش، تجهیز و حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی شیعه مانند حشد الشعبی، حضور امنیتی ایران را تثبیت کرده است. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نهادهای مذهبی، رسانه‌ها و شبکه‌های فرهنگی، به ترویج گفتمان مقاومت و هم‌گرایی شیعی اقدام نموده است؛ حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی ایران نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. بازیگری عربستان سعودی نقطه تقابلی جمهوری اسلامی ایران است که از ابزارهای مختلفی همچون حمایت از گروه‌های سنی و شخصیت‌های سیاسی مخالف نفوذ ایران، سرمایه‌گذاری اقتصادی در مناطق سنی‌نشین و نیز استفاده از نهادهای دینی وهابیت برای مقابله با نفوذ شیعیان در عراق بهره می‌برد. ریاض تلاش دارد موازنه قدرت منطقه‌ای خود در برابر نفوذ تهران را با استفاده از ابزارهایی چون حمایت از سنی‌ها، حفظ نماید و از به حاشیه‌رانده شدن‌های احتمالی در مناسبات سیاسی عراق جلوگیری کند.

۷. بررسی داده‌های پرسش‌نامه: تحلیل تعاملات ایران و نقش رقابت عربستان

در تحلیل تعاملات جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه عراق و نقش رقابتی عربستان سعودی، استفاده از منابع پژوهشی کفایت نمی‌کند؛ لذا، این پژوهش از داده‌های جمع‌آوری‌شده از میان نخبگان ایرانی و عراقی، در ارزیابی و تحلیل موضوع نیز استفاده کرده است؛ این جامعه آماری متشکل از کارگزاران ایرانی و عراقی است که در بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۱ در عراق مسئولیت داشته‌اند، گروه دیگر نیز نخبگان دانشگاهی هستند که سال‌ها بر موضوع عراق و تحولات آن متمرکز بوده‌اند. این پرسش‌نامه برای ۱۳ مسئول ایرانی و ۴۴ مسئول عراقی ارسال شد؛ درواقع ۲۲/۰۸ درصد از پاسخ‌دهندگان ایرانی و ۷۷/۰۲ درصد آنان عراقی بودند؛ بیشتر بودن پاسخ‌دهندگان عراقی با هدف دریافت مواضع و نظرات عراقی‌ها در ارتباط با تأثیر حضور جمهوری اسلامی ایران در عراق بود، تا ارزیابی دقیق‌تری حول محور سیاست خارجی ایران در قبال همسایه غربی‌اش بدست آید. به همین منظور با طرح برخی سؤالات درخصوص تأثیر سیاست‌های ایران بر احزاب شیعه، میزان هم‌گرایی و واگرایی میان آنان، و نقش رقبا در این فرآیند، پرسش‌نامه‌های الکترونیکی میان نخبگان ایرانی و عراقی توزیع شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Excel استفاده شد.

۷-۱. تأثیر سیاست‌های ایران بر هم‌گرایی دو کشور

یکی از پرسش‌های اساسی درباره موضوع پژوهش این بود که «آیا تعاملات جمهوری اسلامی ایران با

احزاب شیعه عراق توانسته است هم‌گرایی سیاسی، اقتصادی و امنیتی میان ایران و عراق را در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۱ افزایش دهد؟». پاسخ‌های دریافتی از میان گروه‌های منتخب نشان می‌دهد که اکثریت نخبگان تعاملات ایران با احزاب شیعه عراق را موجب افزایش هم‌گرایی میان دو کشور می‌دانند؛ اما هر دو گروه، حمایت ایران از احزاب شیعی را به کاهش محبوبیت ایران در عراق منتهی دانسته‌اند. نخبگان ایرانی با پرداختن بیشتر به این موضوع، بر این باورند که احزاب شیعه حاکم، تأثیر مستقیمی بر نگاه مردم عراق به ایران دارند؛ یعنی میزان رضایت‌مندی یا نارضایتی آنان، بر شکل‌گیری دیدگاه مردمی اثرگذار است.

۷-۲. تشدید رقابت‌ها و اختلافات داخلی

یکی دیگر از پرسش‌ها درباره سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال احزاب شیعه عراق و تأثیر آن بر تشدید رقابت‌ها و اختلافات داخلی میان این احزاب بود؛ پاسخ‌ها حاکی از آن است، درحالی‌که حمایت‌های ایران برخی احزاب را تقویت کرده، اما در برخی موارد به تشدید رقابت‌ها و اختلافات داخلی نیز انجامیده است. عواملی مانند حمایت نامتناسب از برخی گروه‌ها و نفوذ رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند عربستان و آمریکا در میان این گروه‌ها و نیز جریان‌های معارض و موازی، بر اختلافات و شدت یافتن آن دامن زده است.

۷-۳. حضور رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

سؤال دیگر پژوهش درباره عوامل و موانع منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اثرگذاری تعاملات ایران بر احزاب شیعه بود؛ منظور از عوامل، نقش عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا در جلوگیری از اثربخشی ایران است. پاسخ‌ها نشان می‌دهد که حضور و نفوذ عربستان سعودی و ایالات متحده در عراق، به‌عنوان رقبای ایران، یکی از موانع اصلی در اثربخشی کامل تعاملات ایران با احزاب شیعه بوده است. این قدرت‌ها با حمایت از گروه‌های مخالف ایران و ترویج هنجارهای متفاوت، سعی در کاهش نفوذ ایران داشته‌اند. نکته قابل توجه درخصوص سؤال فوق این است که پاسخ‌دهندگان عراقی این تأثیر را بیش از پاسخ‌دهندگان ایرانی می‌دانند؛ به‌نظر می‌رسد نخبگان عراقی حضور رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق را بیش از ایرانی‌های پاسخ‌دهنده درک کرده‌اند؛ چراکه عامل نزدیکی، به وقوع تحولات و اثرات آن بر جامعه، بر تفاوت نگاه پرسش‌شوندگان مؤثر بوده است.

۷-۴. تغییر رویکرد تعاملی با استفاده از مؤلفه‌های هویتی

منتخبان هر دو گروه ایرانی و عراقی در پاسخ به این سؤال که «چه راهکارهایی می‌تواند به بهبود تعاملات جمهوری اسلامی ایران با احزاب شیعه عراق و تقویت جایگاه ایران در تحولات سیاسی عراق کمک کند؟»،

پیشنهاد کرده‌اند که ایران با تمرکز بر تعاملات فرهنگی و هویتی پایدار، کاهش دخالت‌های مستقیم، احترام به استقلال احزاب شیعه و تقویت دیپلماسی اقتصادی می‌تواند تعاملات خود را بهبود بخشد. به بیانی دیگر، حضور ایران در عراق منوط به نقش غیرمستقیم ایران با استفاده از مؤلفه‌های هویتی است که ضمن به رسمیت شناختن استقلال سیاسی عراق، استقلال احزاب آن نیز اولویت می‌یابد و سمت و سوی تعاملات، وجهی فرهنگی و هویتی به خود می‌گیرد که در درازمدت می‌تواند بر اعتماد احزاب و نیز تغییر نگرش مردم عراق تأثیر بگذارد و به محبوبیت بیشتر جمهوری اسلامی ایران در این کشور منتهی شود.

۸. نقش رقابت ایران و عربستان در عراق: رویکرد سازه‌انگاران

از منظر سازه‌انگاری، هویت‌ها نقشی اساسی در شکل‌گیری منافع و رفتارهای کشورها دارد و سیاست‌های خارجی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هویت‌های متضاد ایران و عربستان سعودی - به‌عنوان دو قدرت شیعه و سنی منطقه‌ای - نقش مهمی در سیاست‌های آن‌ها در عراق ایفا می‌کند. درواقع می‌توان گفت، هویت‌های انقلابی و محافظه‌کارانه دو دولت شیعی و وهابی منطقه، بستری تقابلی برای رقابت و نفوذ آنان در عراق فراهم کرده است (Mabon, 2013).

۸-۱. تأثیر هویت‌های متضاد بر تعاملات منطقه‌ای

ایران، پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، هویتی شیعی و انقلابی را به‌عنوان دال مرکزی گفتمان سیاست خارجی خود ارائه کرد. این هویت شامل تأکید بر مقاومت در برابر نفوذ غرب، حمایت از جنبش‌های اسلامی و تلاش برای ترویج ایدئولوژی «ولایت فقیه» به‌عنوان مدلی برای حکمرانی اسلامی است. این نگاه انقلابی و مذهبی، ایران را به ایجاد و تقویت هم‌گرایی میان جوامع و احزاب شیعه منطقه، به‌ویژه عراق، سوق داده است. در مقابل، عربستان سعودی که هویتی محافظه‌کارانه و وهابی دارد، از سیاست حفظ «ثبات و نظم محافظه‌کارانه سنی» در منطقه حمایت می‌کند؛ عربستان با معرفی خود به‌عنوان رهبر کشورهای سنی، نگران گسترش نفوذ ایران در کشورهای عربی، به‌ویژه میان جوامع شیعی است. از این‌رو، ریاض جهت مقابله با نفوذ ایران در منطقه و عراق، با احزاب و گروه‌های سنی و حتی برخی گروه‌های شیعه مخالف ایران در عراق و دیگر کشورها ارتباطات جدی و مؤثری برقرار کرده است.

۸-۲. نقش هویت در عراق

عراق، با داشتن جمعیت قابل توجهی از شیعیان و موقعیت استراتژیک آن در منطقه، به صحنه‌ای برای

رقابت هویت‌های متضاد بازیگران منطقه‌ای تبدیل شده است. از دیدگاه سازه‌انگاری، رقابت هویتی باعث تعمیق شکاف‌های مذهبی در عراق و افزایش تنش‌های سیاسی و اجتماعی آن گردید. ایران با استفاده از حمایت‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی، سعی دارد تا هویت شیعی عراق را تقویت کرده و از احزاب شیعه این کشور در مقابل نفوذ خارجی، به‌ویژه عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا، پشتیبانی کند. درحالی‌که عربستان تلاش می‌کند با استفاده از هویت محافظه‌کارانه-سنتی و ترویج هنجارهای پان‌اسلامیسم افراطی، ضمن کاهش نفوذ ایران، از گسترش هویت شیعی نیز جلوگیری نماید (Mabon, 2013). پدیده «دوگانگی هویتی» در بین شیعیان مخالف ایران (مثلاً جریان صدر) که هم‌زمان با هویت ملی عراقی و هویت شیعی در تقابل هستند، بر متشیخ شدن روابط گروه‌های داخلی عراق تأثیرگذار بوده است. به‌طور کلی، هویت‌های متضاد ایران و عربستان، به‌عنوان دو نیروی مذهبی و سیاسی مخالف، زمینه‌ساز رقابت آن‌ها در عراق شده است (Hinnebusch, 2021)؛ تلاش هر یک از این بازیگران منطقه‌ای درخصوص گسترش ارزش‌های خویش، به افزایش رقابت و تشدید تنش‌های منطقه‌ای انجامیده است.

۸-۳. تلاش برای شکل‌دهی به هنجارها و هویت‌ها

ایران سعی دارد با ترویج هنجارهای شیعی و حمایت از احزاب همسو، هویت شیعی را در عراق تقویت کند. در مقابل، عربستان با حمایت از گروه‌های سنتی و حتی برخی احزاب شیعه مخالف ایران، در تلاش است تا نفوذ ایران را کاهش دهد و هنجارهای خود را ترویج کند (Matthiesen, 2014). ایران با استفاده از شبکه‌های متعدد مذهبی نظیر حسینی‌ها، به بازتولید گفتمان «امت شیعی» می‌پردازد؛ عربستان نیز با تأسیس «مجمع جهانی علمای اهل سنت» در سال ۲۰۱۴ به نهادسازی هنجاری و گسترش دامنه نفوذ خویش دست زد؛ به نظر می‌رسد عربستان با سرمایه‌گذاری ۱۲ میلیارد دلاری در استان انبار به دنبال ایجاد «کمربند امنیتی سنتی» است (Hegghammer, 2020). استفاده از پتانسیل‌های ارتباطی و شبکه‌های ماهواره‌ای در ترویج گفتمانی هریک از این بازیگران نقش مهمی دارد؛ کانال‌های ماهواره‌ای المیادین (طرفدار ایران) و العربیه (سعودی) با تولید گفتمان‌های متضاد، تلاش دارند عرصه رقابتی رقیب را تنگ کرده و زمینه فراگیری و جذب حداکثری مخاطبان خویش را افزایش دهند. در همین چارچوب، جمهوری اسلامی ایران با حمایت از «احزاب شیعه همسو» در عراق، نظیر «شورای عالی اسلامی عراق» و «حزب الدعوة» سعی دارد ارتباطات مستحکمی میان شیعیان دو کشور ایجاد کند. ایران با این حمایت‌ها و با استفاده از هنجارهای مشترک شیعی-هویتی، قصد دارد با برقراری نوعی هم‌گرایی هویتی و سیاسی با جوامع شیعه عراق، آن‌ها را به متحدانی

استراتژیک در مقابل نفوذ غرب و کشورهای سنی عربی تبدیل نماید. در مقابل، عربستان سعودی با مدعای رهبری جهان سنی، نگران گسترش نفوذ ایران در کشورهای عربی و به‌ویژه در عراق است. حمایت از گروه‌های سنی و حتی برخی گروه‌های شیعه مخالف ایران، رویکرد این کشور در تضعیف هویت شیعی است. عربستان برای دستیابی به هدف ایجاد محدودیت نفوذ ایران و جلوگیری از گسترش هنجارهای شیعی در میان گروه‌های سیاسی و اجتماعی عراق، حمایت‌های مالی، تبلیغاتی و حتی مذهبی گسترده‌ای از جریان مقابل دارد؛ ریاض همچنین با استفاده از گفتمان‌های هویتی عربی و ضدایرانی، به مرزبندی با رقیب منطقه‌ای خویش و جبهه‌سازی در برابر آن اقدام نموده و در تلاش است تا گروه‌های عراقی را به سوی خود جذب کند (Matthiesen, 2014). درواقع سیاست‌های هویتی ایران و عربستان در عراق به‌گونه‌ای است که با بیشترین توان خود درصدد برقراری ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرهنگی هم‌سو با منافع ملی خویش هستند؛ ترویج و گستراندن مؤلفه‌های هنجاری خویش در میان گروه‌های مختلف و تأثیرگذار بر جامعه عراقی، می‌تواند جایگاه مناسبی برای مروجان هویتی ایجاد نماید؛ به‌طور طبیعی در این رقابت، هریک از دو کشور ایران و عربستان موفق شود تا ارزش‌های هویتی خویش را نهادینه کند، قدرت اثرگذاری بیشتری در مناسبات اجتماعی و سیاسی عراق خواهد داشت. نکته قابل توجه در سیاست‌های هویتی، هوشمندانه عمل کردن بازیگران است.

۸-۴. پیامدهای رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در عراق

رقابت میان ایران و عربستان سعودی برای شکل‌دهی به هنجارها و هویت‌ها، تأثیرات گسترده‌ای در عراق به‌جا گذاشته است. از یک‌سو، این رقابت باعث تقویت هویت شیعی و تحکیم قدرت گروه‌های شیعه هم‌سو با ایران شده است؛ از سوی دیگر، حضور و حمایت عربستان از گروه‌های مخالف، به‌ویژه سنی‌ها و برخی گروه‌های شیعه مخالف ایران، به تعمیق شکاف‌های مذهبی و افزایش واگرایی در عراق انجامیده است. این تلاش‌ها از سوی عربستان و ایران نشان‌دهنده اهمیت هویت و هنجارها به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به قدرت و نفوذ در ساختار سیاسی و اجتماعی عراق است؛ درواقع بازیگران منطقه‌ای از شکاف‌های فرقه‌ای به‌عنوان پروکسی‌های رقابت قدرت استفاده می‌کنند. ازجمله آثار رقابت دو کشور می‌توان به تعمیق شکاف‌ها، افزایش واگرایی و چنددستگی میان احزاب شیعه اشاره کرد. برخی احزاب به سمت ایران گرایش یافته‌اند؛ وابستگی این احزاب به حمایت ایران، هم‌سویی هویتی آنان با محور شیعی ایران را نیز به‌دنبال دارد. درحالی‌که عده‌ای دیگر به‌دنبال روابط نزدیک‌تر با عربستان و قدرت‌های غربی هستند؛ این احزاب که عمدتاً به‌دنبال کاهش وابستگی به تهران و دستیابی به حمایت‌های عربی و غربی هستند، سعی دارند از رقابت میان ایران و عربستان به نفع خود بهره‌برداری کنند. این امر باعث تضعیف هم‌گرایی شیعیان و ایجاد چالش‌هایی برای ثبات

سیاسی عراق و فرصتی برای عربستان و ایالات متحده برای افزایش نفوذ و کنترل سیاسی تبدیل شده است (Haddad, 2016).

علاوه بر این، رقابت‌های دو کشور «تأثیرات نهادی» متعددی بر ساختار حاکمیتی عراق وارد کرده است؛ پارادوکس دموکراسی توافقی (Lijphart, 2017) سیستم سهمیه‌بندی را به عرصه رقابت خارجی تبدیل کرده است؛ این سیستم به‌منظور کاهش تنش‌های داخلی عراق طراحی شده بود. داده‌های بانک جهانی (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که بسیاری از مصوبات پارلمان عراق به‌دلیل اختلافات فرقه‌ای متوقف می‌مانند (Yousif & El-Joumayle, 2024). به طور کلی رقابت ایران و عربستان با ایجاد دوقطبی هویتی - مذهبی متفاوت در عراق، مانع از انسجام سیاسی میان احزاب شیعه شده و عراق را در معرض تزلزل و ناپایداری بیشتر قرار داده است. این رقابت هویتی، عراق را به «میدان آزمایش نظم هنجاری جایگزین» در خاورمیانه تبدیل کرده است، جایی که مفاهیم حاکمیت ملی در تقابل با گفتمان‌های فراملی شیعی و پان اسلامیسم سعودی قرار می‌گیرد. داده‌های مرکز پژوهش‌های راهبردی عرب نشان می‌دهد ۷۳ درصد نخبگان سیاسی عراقی معتقدند این رقابت، فرایند دولت- ملت‌سازی را حداقل ۲۰ سال به تأخیر انداخته است (Arab Strategic Research Center, 2025).

۹. نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای

حضور ایالات متحده و دیگر قدرت‌های بین‌المللی نیز به پیچیدگی رقابت در عراق افزوده است. این قدرت‌ها با دنبال کردن منافع خود، به تشدید رقابت‌ها و اختلافات داخلی دامن زده‌اند. از زمان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، حضور نظامی و سیاسی ایالات متحده در این کشور، علاوه بر تغییر توازن قدرت، به افزایش تنش‌ها و اختلافات درونی انجامیده است. ایالات متحده با دنبال کردن اهداف استراتژیک خود، از جمله محدودسازی نفوذ ایران و تأمین منافع اقتصادی و امنیتی در منطقه، با گروه‌های مختلف عراقی از جمله برخی احزاب سنی و حتی شیعیان مخالف ایران تعاملات گسترده‌ای دارد. این سیاست‌ها، به نوعی راه را برای افزایش واگرایی و تشدید اختلافات داخلی در عراق هموار می‌کند (Gause, 2014). حضور سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون اتحادیه اروپا و برخی کشورهای غربی دیگر، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی، به‌طور غیرمستقیم بر تعمیق شکاف‌ها و پیچیدگی رقابت‌ها اثرگذار است. این کشورها نیز برای کسب و استمرار منافع اقتصادی و جغرافیای سیاسی خود، از برخی گروه‌های داخلی حمایت می‌کنند، تا جایگاه و نفوذ آنان در ساختار قدرت عراق مستحکم بماند. این تعاملات با گروه‌های متنوع سیاسی، با تبدیل عراق به

عرصه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، انسجام داخلی آن را به شدت کاهش می‌دهد. در نهایت، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در عراق نه تنها موجب افزایش پیچیدگی رقابت میان ایران و عربستان شده، بلکه ساختار سیاسی عراق را نیز دستخوش تغییرات مکرر کرده و بر ثبات این کشور تأثیرات منفی بر جای گذاشته است.

۱۰. نتیجه‌گیری

بررسی تعاملات جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در عراق پس‌اصدام نشان داد که ایران با تکیه بر هویت انقلابی- شیعی و استفاده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی توانست جایگاه احزاب شیعه را در ساختار قدرت عراق تقویت کند و هم‌گرایی هویتی- مذهبی میان شیعیان دو کشور را افزایش دهد. با این حال، این سیاست‌ها در کنار تقویت محور مقاومت، به تشدید شکاف‌های داخلی میان شیعیان عراق و واگرایی برخی جریان‌ها منتهی شده است. از سوی دیگر، عربستان سعودی با بهره‌گیری از هویت سنی- وهابی و حمایت از گروه‌های رقیب، به دنبال محدودسازی نفوذ ایران بوده که این امر به تعمیق اختلافات فرقه‌ای و بی‌ثباتی سیاسی در عراق انجامیده است. از منظر نظریه سازه‌انگاری، هویت‌ها و هنجارهای متضاد ایران و عربستان نقش کلیدی در شکل‌دهی به این رقابت و تأثیرات آن بر عراق داشته‌اند. تحلیل داده‌های پرسش‌نامه‌ای نیز مؤید این واقعیت است که هرچند تعاملات ایران تا حدی هم‌گرایی سیاسی- امنیتی با عراق و احزاب شیعی را تقویت کرده، اما دخالت‌های مستقیم و حمایت‌های نامتوازن از برخی احزاب، به کاهش محبوبیت ایران و افزایش اختلافات داخلی دامن زده است. همچنین، رقابت ایران و عربستان، عراق را به عرصه‌ای برای جنگ نیابتی تبدیل کرده و فرآیند دولت- ملت‌سازی در این کشور را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. در همین چارچوب، حضور و رقابت دیگر قدرت‌های فرامنطقه‌ای و خواسته‌های آنان در بدست آوردن منافع بیشتر و یا حفظ موقعیت خویش در مناسبات اقتصادی و سیاسی عراق، تنش‌های داخلی و بی‌ثباتی ناشی از آن را افزایش داده است. پرواضح است که هریک از این بازیگران متناظر به سمت‌گیری‌های منافع ملی خویش و با توجه به الگوی دوستی و دشمنی خود در عرصه نظام بین‌الملل، در دسته‌بندی‌های داخلی عراق و رقابت با دیگر بازیگران جاگیری کرده و حمایت‌شان از احزاب عراقی نیز بر همین مبنا شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران برای بهبود وضعیت خود در عراق و ماندگار کردن این حضور، ناگزیر به تغییر برخی رویه‌های سیاست خارجی خویش است؛ در پیش گرفتن رویکردی فرهنگی- هویتی و فاصله گرفتن از دخالت‌های مستقیم، علاوه بر ارتقاء سطوح هم‌گرایی میان احزاب شیعه، به تقویت و

تحکیم جایگاه ایران در این کشور خواهد انجامید؛ متناظر بر رویکردی سازه‌انگارانه، تمرکز بر هنجارهای مشترک فرهنگی و مذهبی دو کشور، در کنار به‌رسمیت شناختن استقلال داخلی و ویژگی‌های ملی - بومی بازیگران عراقی، می‌تواند در درازمدت قدرت نرم و نفوذ ایران را به‌عنوان حمایت‌کننده اصلی از فرایند دولت ملت‌سازی عراق تحکیم بخشد.

منابع

- جکسون، رابرت؛ سورنسون، گئورگ (۱۳۹۶). *درآمدی بر روابط بین‌الملل*. ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعیدکلاهی. تهران: نشر میزان، ج ۱.
- شریعت ناصری، مهدی (۱۴۰۰). *سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال گروه‌های شیعه و کردهای کشور عراق*. در: تهران: اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های حقوق، علوم سیاسی و مسئولیت حقوقی کادر درمانی.
- عربی لادمی، محمد (۲۰۲۱). *النفاذ الإيراني في العراق بعد ۲۰۰۳: الدوافع والانعكاسات*. مجلة الاجتهاد للدراسات القانونية والاقتصادية، ۱۰(۳).
- قادری حاجت، مصطفی؛ دیاری صالح، مجید؛ زیاد احمد، عبدالله (۱۴۰۲). *تبیین عوامل موثر بر همگرایی و واگرایی شیعیان عراق و ایران*. پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۸(۳): ص ۶۳-۸۶.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۷). *روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها*. تهران: انتشارات سمت، چاپ یازدهم.
- میری، محبتی؛ نودری، میثم (۱۳۹۷). *نقش و جایگاه احزاب و گروه‌های شیعه در عراق با تأکید بر همگرایی با ایران*. پژوهشنامه اندیشه معاصر، ۱۱(۱): ص ۹۹-۱۱۶.
- Al-Aloosy, M. (2024). The ruling ideology or shared identity? The underlying causes of Iran's influence in Iraq. *National Identities*, 26(4): p. 403-424.
- Al-Maashiry, H. (2018). The Dynamics of Iran's Influence in Iraq. *Journal of Contemporary Middle Eastern Studies*, 5(2).
- Al-Mansoori, K. (2023). The Evolution of Saudi Foreign Policy in Iraq Post-2018: From Extremist Backing to Economic Statecraft. *Journal of Middle Eastern Geopolitics*, 45(2).
- Arab Strategic Research Center. (2025). *Elite Perceptions of Foreign Intervention in Iraq*.
- Gause, F. G. (2014). *Beyond Sectarianism: The New Middle East Cold War*. Brookings Institution.
- Haddad, F. (2016). *Sectarianism in Iraq: Antagonistic Visions of Unity*. Oxford University Press.
- Hegghammer, T. (2020). Saudi Arabia's Religious Soft Power Strategy. *International Affairs*, 96(4).
- Hinnebusch, R. (2021). Identity Dualism in Post-2003 Iraq. *Middle East Journal*, 75(2).
- Hopf, T. (1998). The Promise of Constructivism in International Relations Theory. *International Security*, 23(1).
- Katzenstein, P. J. (1996). *The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics*. New York, NY: Columbia University Press
- Ladier-Fouladi, M. (2022). *Iran-Iraq Relations and Pan-Shia Strategies*. Hal Open Science. URL=<https://hal.science/hal-03913440v1>.
- Lijphart, A. (2017). Consociationalism and Its Discontents: The Iraqi Case. *Comparative Politics*, 49(3): p. 327-345.
- Mabon, S. (2013). *Saudi Arabia and Iran: Soft Power Rivalry in the Middle East*. I.B. Tauris.

- Matthiesen, T. (2014). *The Other Saudis: Shiism, Dissent and Sectarianism*. Cambridge University Press.
- Nasr, V. (2006). *The Shia Revival: How Conflicts Within Islam Will Shape the Future*. W.W. Norton & Company.
- Reus-Smit, Ch. (2001). *Constructivism. Theories of International Relations*. UK: Palgrave Macmillan.
- Torring, J. (1999). *New Theories of Discourse: Laclau, Mouffe and Žižek*. Blackwell Publishers.
- Wendt, A. (1992). Anarchy is What States Make of it: The Social Construction of Power Politics. *International Organization*, 46(2).
- Yousif, B. & El-Joumayle, O. (2024). Toward an Understanding of Economic Development in Post-2003 Iraq. *Journal of Developing Societies*; 40(4).